

## زیبا صدایم کن



۴

■ سال: ۱۳۹۷ - چاپ  
هفتم  
■ ناشر: کانون پرورش  
فکری کودکان و  
نوجوانان  
■ تعداد صفحات: ۱۹۲

داستان، درباره دختری ۱۵ ساله به نام زیباست که در موسسه‌ای زیر نظر بهزیستی زندگی می‌کند. مادر معتادش ازدواج کرده و پدرش به سبب بیماری روانی در آسایشگاه بیماران روانی بستری است. زیبا در روز تولدش به پدر کمک می‌کند تا از آسایشگاه فرار کند و همین هم ادامه داستان را رقم می‌زند.

## هویج بستنی

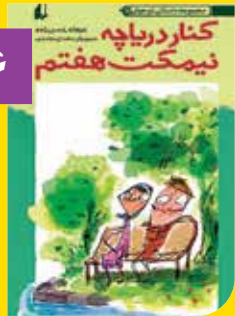


۵

■ سال انتشار: ۱۳۹۸ -  
چاپ اول  
■ ناشر: افق  
■ تعداد صفحات: ۱۲۸

این کتاب شامل ۱۰ داستان طنزآمیز اجتماعی است. در کتاب «هویج بستنی» داستان‌های ساده از دل اتفاقات روزمره انسان‌ها، هر کدام با طرح و ماجرای خود پدید می‌آیند و با همدیگر پیوندی ندارند. پندهای نهفته در این کتاب می‌تواند نوجوانان را وادار کند دوروبرشان را بهتر ببینند و از کنار چاله چوله‌های روزگار بی تفاوت نگذرند.

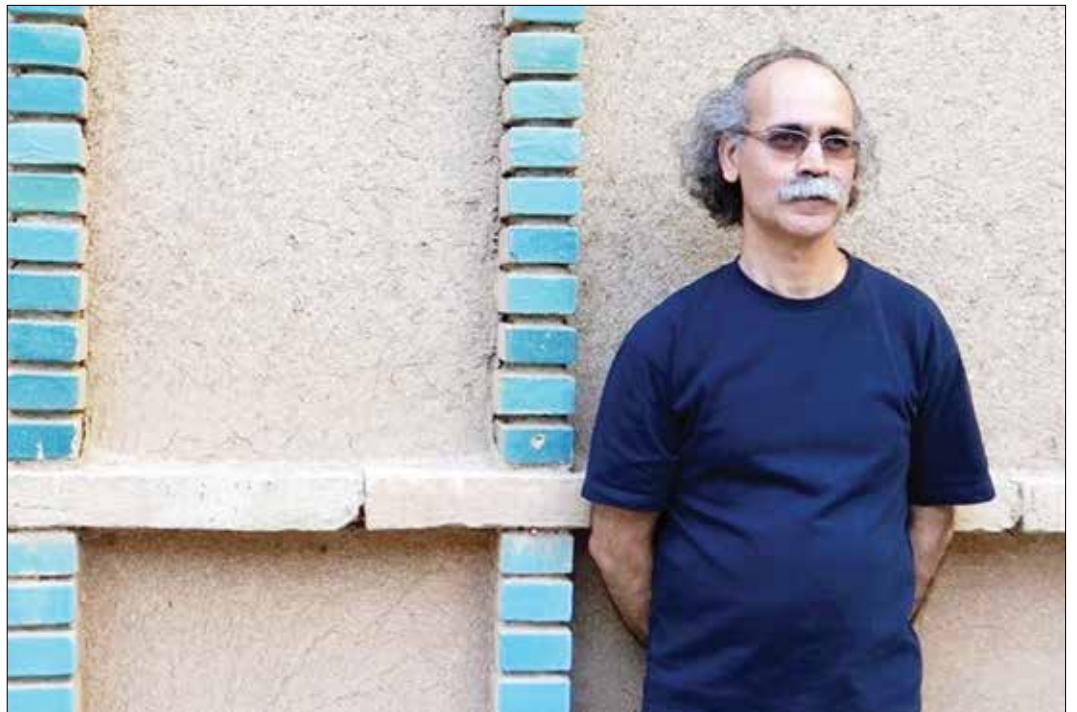
## کنار دریاچه، نیمکت هفتم



۶

■ تاریخ نشر: ۱۳۸۵ -  
چاپ اول  
■ ناشر: افق  
■ تعداد صفحه: ۸۴

کتاب مجموعه هفت داستان درباره نوجوانانی است که دوران بلوغ خود را سپری می‌کنند و با بحران‌های گوناگونی روبه‌رو هستند که گاه فاجعه‌آمیز می‌شود. نخستین عشق‌ها، ناکامی‌ها و کابوس‌های آنان و برخورد‌های شتاب‌زده جامعه با آنان، پایه و اساس این مجموعه داستان است. نویسنده بدون ریشه‌یابی معضلات اجتماعی و تلخ‌کامی‌هایش را با طنزی تلخ بیان می‌کند و در کل کتاب برخوردی صمیمانه‌تر با نوجوانانی است که صدای‌شان در دنیای پرهیاهوی آدم بزرگ‌ها شنیده نمی‌شود.



نوع نوشتن را دوست دارند، ادامه دادم. در حقیقت این بچه‌ها بودند که بخشی از راه را نشانم دادند. همیشه سعی کرده‌ام گونه‌های ادبی مختلفی را تجربه کنم مانند فانتزی و واقع‌گرایی و شعر و دیگر گونه‌ها. اما گویا در طنز نمکی بوده که خودم را هم نمک‌گیر کرده و شوخی‌شوخی آن را جدی گرفتم.»

### یک نوجوان کاغذ و قلم به دست

در کنار همه این شفافیت و صداقت در روایت، این را هم بیفزایید که حسن‌زاده حواسش به این هست که آدم‌ها طنز را دوست دارند. او طنزهای ظریف و باریکی را در همه آثارش دارد که هر چند در بسیاری از موارد رگه‌های انتقادی هم به خود می‌گیرد، اما پر است از روایت‌هایی زنده از زندگی. با وجود اینکه او خودش را محصور جغرافیا نکرده اما ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه بسیاری در نوشته‌هایش وجود دارد که روایت‌هایش را جذاب‌تر کرده است.

او در این مورد گفته در نوجوانی دفتر و خودکاری همیشه دم دستش بوده و ضرب‌المثل‌هایی را که مادرش می‌گفته، یادداشت می‌کرده است. خلق شخصیت‌های ماندگار و دوست‌داشتنی در ادبیات کودک را هم می‌توان از نکات مهم کارهای حسن‌زاده دانست. بچه‌ها را پای به نام کوتی کوتی را شاید کودکان زیادی عاشقانه دوست داشته و به خاطر سپرده باشند. باور ندارید از خودشان بپرسید. این نویسنده دو بار هم کاندیدای جایزه هانس کریستین آندرسن یا نوبل کوچک شده است. این جایزه شاخصه‌ها و معیارهایی دارد که آثار نامزدها بر اساس آن معیارها ارزیابی می‌شوند؛ از جمله کیفیت بالای ادبی و هنری، توجه به مسائل بومی کشورها، جهانی بودن موضوعات و دیدن دنیا از زاویه دید کودکان و نوجوانان. با نگاهی به آثار فرهاد حسن‌زاده می‌بینیم این معیارها در آثار او وجود دارد و به این موارد هم اشاره کردیم. اصلاً همه اینها به کنار، بهترین داوران، بچه‌ها هستند که قبلاً هم گفته‌اند حسن‌زاده، نویسنده محبوبشان است و مردی است که جهان‌شان را می‌شناسد و می‌تواند رنگ‌های تازه‌ای به آن اضافه کند. اگر او موفق به دریافت این جایزه هم نشود، قبلاً نوبلش را از بچه‌ها گرفته است.

بچه‌ها را حساسی به سمت خود جلب می‌کند. ضمن اینکه روایت‌های او مملو از تصویرسازی‌های عینی و گفت‌وگوهای باورپذیری است که بچه‌ها می‌توانند خودشان را در آنها پیدا کنند.

حسن‌زاده سهم همه را لحاظ می‌کند. از بچه‌های جنگ گرفته تا کودکان کار و خیابان و طیف‌های دیگر همه در داستان‌هایش جایی دارند و همین هم موجب می‌شود بچه‌ها بخوانند او و آثارش را بخوانند. حسن‌زاده از جهانی می‌نویسد که نوجوان‌ها لاف‌درگیش شده و در حال تحلیل و فهم آن هستند؛ جهانی که آدم‌هایش زندگی‌هایی متفاوت با آنها دارند و از قشرها و طبقه‌های مختلفی هستند؛ فرادست و فرودست، معلول و سالم و... همه در داستان‌های او سهمی دارند و می‌توان در آثارش ریتم زندگی واقعی را به وضوح تماشا کرد.

### طنازی به سبک بچه‌ها

او نویسنده باهوشی است که می‌داند همه شوخی را دوست دارند. پس حتماً بچه‌ها هم خوشحال می‌شوند طنز خاص خودشان را داشته باشند و از خواندنش روده‌بر شوند. در کنار این مورد، کسانی که حسن‌زاده را بشناسند هم می‌دانند چه روحیه طنازی دارد و چطور می‌تواند جهان را با شوخی‌هایش به بازی بگیرد، لبخند بزند و لبخند بانشاند... هر نویسنده یک جهان داستانی دارد که خاص خودش است. او همه چیز را از فیلتر ذهن خودش عبور می‌دهد تا رنگ‌وبوی آن نویسنده را بگیرد. خودم به درستی نمی‌دانم این جهان چگونه شکل گرفته اما نمود بیرونی اش هویداست. او می‌گوید: «وقتی شروع به نوشتن می‌کنم، خودبه‌خود این شخصیت شوخ درونم زنده می‌شود و می‌پرد وسط. نگاه طنزم را پرورال می‌دهم، طنز موقعیت را با طنز کلامی که کاری خلاقانه است و بچه‌ها خیلی دوست دارند، ترکیب می‌کنم تا بتوانم اثر جذابی خلق کنم. اولین داستان طنزم که سال ۱۳۷۴ منتشر شد، نامش «سقمونی حمام» بود که باز خورد خوبی داشت. بعد از آن قطعه‌های طنزی بود که در کیهان بچه‌ها چاپ می‌شد تحت عنوان روزنامه سقمونی هم‌شاگردی. چند سال بعد تصمیم گرفتم یک رمان طنز بنویسم به نام «عقرب‌های کشتی بمبک» که کار دشواری بود. از سویی وقتی دیدم فضا برای نوشتن طنز خالی است و بچه‌ها این

فرهاد حسن‌زاده در میان کودکان و نوجوانان طرفداران زیادی دارد. وقتی از او درباره دلایل این علاقه می‌پرسند، به نکات جالبی اشاره می‌کند. او نوشتن برای نوجوانان را نیازمند شروعی قوی و چالشی می‌داند و می‌گوید داستان مانند همراهی کردن در یک سفر است. همه سنی نوجوان باید به این نتیجه برسند که قرار است پا در سفری بگذارند که هیجان و تعقیب‌و‌گریز دارد.